

ماه عشاق مبارک
سال پنجم شماره ۵۲ فوریه ۲۰۱۰

ماهنامه تبدیل را می توانید بر روی آدرس اینترنتی www.SimaMasih.com و www.Tabdilmagazine.blogfa.com مطالعه نمایید.
همچنین می توانید نظرات خود را برای ما بفرستید: Tabdil@IRANforCHRIST.com



آشنایی با اسامی خدا در کتاب مقدس

ادامه در صفحه ۵...

توضیحاتی درباره اسم "ال"



طیب محبوب من

ادامه در صفحه ۷...

زندگینامه
دکتر سعیدخان کردستانی



عیسی که بود؟

ادامه در صفحه ۹...

آرمان رشدی



معرفی کلیساهای ایران

ادامه در صفحه ۱۰...

آثار باستانی
و ساختمانها



عشق الهی





محبت خدا یعنی اطاعت از کتابمقدس

عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خدای واحد است. و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما، که اول از احکام این است و دوم مثل اول است که همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو حکمی نیست. انجیل مرقس باب ۱۲ آیات ۳۱ تا ۳۴

یک تعبیر مهم "محبت" در کلام خدا، اطاعت از کتابمقدس است، در واقع مسیح به طرز جالب تمام احکام خداوند را در محبت جای میدهد. محبت در کتابمقدس، شامل چیزهای ظاهری نیست بلکه محبت یک معتقد راستین نشأت گرفته از محبت الهی است که از روح القدس صادر میگردد. زیرا که محبت خدا در دلای ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است. رومیان ۵: خداوند در یک کلام محبت را اطاعت از کل کتابمقدس می داند و آزمونی را قرار میدهد تا خود را بررسی نموده و بفهمیم که آیا در نجات الهی ساکن هستیم؟ و آن آزمون این است که آیا از کتابمقدس اطاعت مینماییم؟ زیرا اطاعت از کتابمقدس همان محبتی است که خدا از ما انتظار دارد اطاعت از احکام همان محبت الهی است، کتابمقدس منظور خود را از محبت شرح میدهد در جایی که میخوانیم: از این میدانیم که فرزندان خدا را محبت مینماییم چون خدا را محبت می نماییم. احکام او را به جامی آوریم. زیرا همین است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم و احکام او گمان نیست، اول یوحنا ۵: محبت نمودن خدا همان اطاعت از حکمهای الهی در کلامش است، احکام کتابمقدس چیستند؟ آیا تنها ده فرمان؟ یا تنها عهد عتیق؟ یا شاید تنها عهد جدید؟ یا شاید قوانین و مقررات آئینی؟ با بررسی کتابمقدس می فهمیم که احکام کتابمقدس تنها یک قسمت از کتابمقدس نیست، و نیز قوانین و مقررات آئینی و تشریفات به هیچ عنوان نیز احکام کتابمقدسی نیستند. منظور از احکام و شریعت الهی تمام قسمتهای کتابمقدس یعنی تمام آیات آن است، و آن کلمه به کلمه از کتابمقدس را شامل میشود. ما بایستی در هر قسمت از کتابمقدس به دنبال یافتن معنای روحانی باشیم و از آنها اطاعت نماییم، همه ما بایستی در بررسی کتابمقدس بنگریم حکمهای خداوند برای ما چیست و آنها را در زندگی روحانی خود بگنجانیم: زیرا همین است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم و احکام او گمان نیست، اول یوحنا ۵: محبت اطاعت از دستورات و آیات کتابمقدس است، محبت تنها این ادعا نیست که من خدا یا هموعانم را دوست دارم، بلکه این سخن بایستی در عمل که اطاعت از احکام و شریعت های روحانی الهی است مشخص و ثابت گردد، محبت اجرا و اطاعت از شریعت های الهی است، ما بایستی در هر قسمت از کتابمقدس به دنبال یافتن معنای روحانی برای اطاعت باشیم. خداوند آزمون رستگاری را در اطاعت از احکامش قرار داده است و اطاعت از قوانین الهی را همان محبتی نامیده است که کتابمقدس از آن صحبت میکند: از این میدانیم که او را می شناسیم، اگر احکام او را نگاه داریم. کسی که گوید او را می شناسم و احکام او را نگاه ندارد، دروغگوست و در وی راستی نیست. لکن کسی که کلام او را نگاه دارد فی الواقع محبت خدا در وی کامل شده است و از این می دانیم که در وی هستیم، رساله اول یوحنا ۲:۳-۵. در نتیجه اطاعت از احکام کتابمقدسی و الهی نتایج فوق العاده خوبی را به همراه دارد که نمایانگر یک زندگی موفق روحانی است که از نتایج محبت است.

عشق یعنی یک سلام و یک درود
عشق یعنی یک تبلور یک سرود
عشق یعنی قطره و دریا شدن

دوستان من، ماه عشاق رسیده و بی مناسبت نیست که کمی بیشتر در این باره تحقیق کنیم. چرا که این موضوع هیجوت کهنه نمی شود و در هر شرایطی باز هم پا دارد تا در آن رشد کرد. معمولاً عشق و محبت در غالب دلتا، در شگفتا و در رنگها تقریباً بطور مشابهی، تبلی می شود و دارای صفات و حالات و مظاهر مشترکی است، اما دوست داشتن در هر فردی فلوهای خاص فویش را دارد و از روح خدا رنگ می گیرد. چون افراد پرفلاف گزینه های خود، هر کدام از تعری و طعم و عطری ویژه فویش به زندگی نگاه میکنند، می توان گفت که به تعارض هر فردی، دوست داشتن متفاوت است. عشق با شناسنامه بی ارتباط نیست و کدر فصلها و عبور سالها بر آن اثر می گذارد، اما عشق و رزین در ورای سن و زمان و فراج زندگی میکند و بر آشیانه بلندش، روز روزگار راستی نیست... دوست داشتن نشان در روح غرق است و جذب زیباییهای خدا که زیباییهای مفسوس را به گونه ای دیگر می بیند. دوست داشتن آرام و استوار و پر وقار است و سرشار از نجات.

عشق زنبیری با دوری و نزدیکی در نوسان است. اگر دوری به طول انجامد ضعیف می شود، اگر تمام دوام یابد به ابتزال می کشد و تنها با بیم و امید و تزلزل و اضطراب و ریدار و پرهیز "زنده و نیرومند می ماند. اما دوست داشتن واقعی با این حالات ناآشناست. ما وقتی به شخصیت کامل و الهی عیسی مسیح در انجیل نگاه میکنیم، میتوانیم نمونه کاملی از محبت به خدا و بشر را ببینیم. چرا که او نه فقط در حرف بلکه در عمل محبت را زندگی کرد، او شریعت و قوانین الهی را در هر کمال زندگی کرد، او گناهکاران را محبت می کرد و آنها را با قهرسیت آشنا! او آموخت که خدا از نگاه متغیر است و نه از نگاهها! آیا چنین محبتی را در هیچ جای دیگر سراغ دارید؟ آیا تا به حال در زندگی شخصی خود قادر بوده اید تا به خدا و هموع خود بطور کامل محبت کنید؟ عیسی فرمود اگر من را دوست دارید احکام من را اطاعت فواید کرد. بیائید از خداوند تطبیق تا محبت را به ما بیاموزد و ما را در محبت تعمیر دهد. بیائید از نمونه آسمانی خود مطابقت کنیم، عیسی را سر لوفه خود قرار دهیم. خدا عشق است و سرپشمه آن! عشق را از منبع آن خدا دریافت کنیم.

ده مرا تعمیدی تو زهر و محبت
تا شویم شبیه تو کامل زهر جوت
باشد که زندگی هر یک از ما هر روز پر از عشق و محبت فدای
مقیقی باشد. رفتار و گفتار ما از عشق خدا نشأت بگیرد. تا دنیای تاریک و بی مهر ما معنی عشق را در زندگی ما دیده، پشدر، خانواده های رو به نابودی، روابط سرد و بی مهر جای خود را به شور و زیبایی الهی بدهد. جای دارد در همین با روزهای پر از برکت و مبتی را برای تک تک شما عزیزان آرزو کنیم. من و همکارانم روز عشق را به تمام شما عزیزان تبریک میگوئیم.

نَس اَنهلس، فوریه ۲۰۱۰
النانان باغستانی

ماهنامه تبدیل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: النانان باغستانی
ویرایش: نازنین باغستانی
طرح روی جلد: النانان باغستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
همکاران: آرمان رشدی، ادوین آبنوس

خواهشمندیم که جهت دریافت نسخه الکترونیکی و جایی ماهنامه تبدیل، فرم اشتراک مربوطه را پر کرده و به آدرس ما ارسال نمایید.

آدرس ماهنامه:

Iran for Christ Ministries
P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

تلفن تماس: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.SimaMasih.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.



پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه
ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت

آدرس اینترنتی:

www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv



مطابق کتابمقدس کلیسا در جهان یگانه سازمانی است که عدم شایستگی تنها چیزی است که ما را شایسته عضویت در آن می سازد. من با عضویت خود در کلیسا به جهانیان اعلام کرده ام که گناهکار و نیازمندم و قادر به اصلاح خود نیستم.

Steve Brown

هدایای مالی شما باعث طرقی ماهنامه تبدیل خواهد بود. برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.



اراده و خواست خدا



دکتر شفا

گناه و مرض هر دو از یکجا سرچشمه می گیرند. شیطان نویسنده گناه و مرض است. خواست خدا این است که همانقدر که او می خواهد ما از گناه آزاد باشیم به همانسان هم از مرض آزاد شویم. همانقدر که ما از محکومیت گناه آزاد شده ایم، همانقدر هم از ترس مرض آزاد شویم. در رساله اول پطرس فصل ۲ آیه ۲۴ می خوانیم: مسیح شخصاً بارگناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب بُرد تا ما هم نسبت به گناه بمیریم و برای نیکی مطلق زیست کنیم؛ زیرا به سبب زخمهای اوست که شما شفا یافته اید.

مرض و گناه دیگر متعلق به خانواده خدا نیستند و آنها نباید بر ما که عضوی از خانواده خدا هستیم دیگر قدرت و تسلط داشته باشند. مسئله مرض و گناه در نجات مسیح برای همه آنهاهی که ایمان آورده اند حل شده است. وقتی ما این حقیقت را کاملاً درک می کنیم که خدا بوسیله مسیح درد، مرض، فقر، لعنت و گناه را بر مسیح گذاشت، آتموقع است که بر تمام این مشکلات با پیروزی در زندگی خواهیم زیست. این واقعیت در زندگی شما به حقیقت نخواهد پیوست تا آن روزی که شما قلباً این را قبول کرده و دائماً آن را اعتراف کنید. کلام خدا با خدا یکی است، یعنی غیرممکن است که کلام خدا از بین برود. خدا کلام خود را حفظ می کند تا آن عملی شود. کلام خدا بود که آفرینش را بوجود آورد و خدا از طریق آن، در قلبهای ما ساکن می گردد. این کلام او است که ما را با او یکی می کند. ما در کلام و کلام در ما. از طریق این خلقت ما با خدا یکی می شویم. این یک فرصت فوق العاده ای را به ما می دهد. وقتی ما با خدا متحد می شویم از طریق کلام و روح او، همچنین با قدرت او نیز یکی می شویم. ما با نیکی او یکی می شویم. قوت او برای ما است حیات او برای ما است، سلامتی و صلح او برای ما است. خداوند عیسی فرمود: من صلح خود را به شما می دهم... انجیل فصل فاخته ۱۴آیه ۱.

قدرت اعتراف ایمان

هر بار که با کلام خدا متحد می شویم و آترا اعتراف می کنیم قدرت شیطان در زندگی ما شکسته می شود. اعتراف ما اعتراف به نجات ما است. وقتی مسیح این نجات ابدی را برای ما مهیا ساخت؛ (رساله عبرانیان فصل ۹ آیه ۲۵) در دست راست خدای پدر نشست، این به آن معناست که نجات او یک نجات کامل است. دعاها و اعترافهای ما باید با نجات خداوند مطابقت داشته باشد، در غیر این صورت ما با بی ایمانی با کلام او رفتار می کنیم. وقتی به عنوان مثال در دعاهای خود از خدا طلب شفا می کنیم، از دید خدا ما قبلاً از زخمهای او شفا یافته ایم، رساله اول پطرس فصل ۲ آیه ۲۴. وقتی طلب برکات می کنیم، او ما را قبلاً از تمام برکات در قلمرو آسمانی بهره مند ساخته است، رساله افسسیان فصل ۱ آیه ۳.

اگر او ما را شفا داده و از تمام برکات الهی بهره مند ساخته، پس چرا ما با گریه و دعا از او اینها را می طلبیم؟ آیا بهتر نیست که با کلام او توافق کنیم و در عوض از او تشکر کرده و به آن کلام اعتراف، ایمان خود را عمل کنیم؟ ما می بایستی با کلام او یکی شویم. اگر کلام او در کتاب اشعیا فصل ۵۳ آیه ۵ می گوید: ما از زخمهای اوست که شفا یافتیم. پس ما شفا یافته ایم. مشکلی که اکثر ایمانداران دارند این است که مطابق افکار انسانی فکر می کنند. فکر ما می بایستی مطابق کلام خدا تجدید شود. وقتی ما تولد دوباره پیدا کردیم، روح ما تجدید شده ولی فکرمان همان فکر گذشته قبل از ایمانمان است. برای همین دلیل است که کلام خدا در رساله رومیان فصل ۱۲ آیه ۲ می فرماید: همشکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را تشخیص دهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است، بشناسید. همچنین در رساله تیتس فصل ۳ آیه ۵ می فرماید: او ما را نجات داد. اما این نجات به خاطر کارهای نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او و از راه شستشویی بود که به وسیله آن، روح القدس به ما توکل تازه و حیات تازه بخشید. در رساله افسسیان فصل ۴ آیه ۲۳ می فرماید: دل و ذهن شما باید کاملاً نو شود. و در رساله کولسیان فصل ۳ آیه ۱۰ می فرماید: ... زندگی را به صورت انسان تازه ای شروع نموده اید- انسانی که پیوسته در شباهت خالق خود به شکل تازه ای در می آید- تا رفته رفته به شناخت کامل خدا برسد.

این تجدید افکار تنها به وسیله مطالعه و تعمق در کلام خدا بدست می آید. ایماندارانی که افکارش با کلام خدا تجدید شده می گوید: خدا را شکر که مسیح مرض من را برخودش برداشت، خداوند از تو سپاسگزارم که به وسیله زخم بدن مسیح من شفا پیدا کرده ام. این اعتراف نشانگر اعتقاد و اطمینان به کلام خدای زنده است. ما این را اعتراف می کنیم چرا که با کلام خدا یکی شده ایم، کلام خدا در من و من در کلام، حتی اگر بدن ما هنوز در درد باشد. یا ما می باید به کلام توجه کنیم یا به بدن خود. موقعیت بدن ما عوض شدنی است، حال اینکه کلام خدا تا ابد عوض نخواهد شد.

ادامه در شماره بعد...



برای خرید کتابمقدس به زبان فارسی

با ما تماس حاصل نمایید.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



اعداد در کتابمقدس

عدد ۲۴

قوم نجات یافته خدا را در آسمان، هم از عهد عتیق و هم از عهد جدید نشان می دهد. لباسهای سفیدشان نماد تظهير شدنشان با خون مسیح می باشد و تاج های طلای آنها نماد فاتح بود نشان می باشد که غلبه یافته اند (۴: ۴، ۵: ۸ - ۱۰).

عدد ۱۴۴۰۰

عدد کمال مطلق و کاملیت قوم خدا می باشد. ۱۲×۱۲×۱۰×۱۰×۱۰ (۴: ۷) مردم مهر شده نشاندهنده عدد کامل یهودیان و غریهودیانی می باشد که خدا برای نجات در طول تاریخ انبیا انتخاب کرد (رومان ۱۱: ۲۵ - ۲۶). یک نفر هم فراموش نخواهد شد (ارمیا ۲۳: ۴، مکاشفه ۲۱: ۲۷).

عدد ۱۰۰۰

عدد کمال مطلق می باشد. شیطان برای ۱۰۰۰ سال بسته می شود که همان ۱۰×۱۰×۱۰ سال می باشد، دوره کاملی را نشان می دهد که خدا مقرر کرد نفوذ شیطان را بر زمین کم کند (۲۰: ۱-۳ و ۷). چون شیطان در آمدن اولیه مسیح بسته می شود و درست قبل از آمدن ثانویه مسیح آزاد می شود، ۱۰۰۰ سال نماد کل دوره عهد جدید از آمدن اولیه تا آمدن ثانویه مسیح می باشد.

آیا شما فردی هستید که ترس بر شما حاکم است؟

تصمیم بگیرید که آیا قرار گرفتن در یک ارتباط متعهد، مد نظر شما هست یا خیر. یکی از راههایی که می تواند مهارت های متعهد شدن شما را تقویت کند این است که با هم توافق کنید که برای مدت زمانی به صورت انحصاری با هم ارتباط برقرار کنید.



در مورد اهداف زندگی و آرزوهایی که در سر می پرورانید با هم صحبت کنید. همچنین جنبه های روحی و باطنی و شخصیت درونی خود را برای طرف مقابل آشکار نمایید. انجام این کار موقعیتهای نابی برای تجربه ی اعتماد، صمیمیت و نزدیکی فراهم می آورد. باید بگویم که یک راه قطعی نهای نیز وجود دارد که اگر شما به مرحله ای رسیدید که احساس کردید باید آنرا انجام دهید، می بایست در انجام آن برای همیشه استمرار ورزید. تشخیص این مطلب که قرار گرفتن در یک رابطه تعهد آمیز این فرصت را به شما می دهد تا کلیه ویژگی های منحصر بفردتان را آشکار ساخته و تبدیل به بهترین کسی شوید که می توانید. زوجهایی که در یک ارتباط سالم قرار میگیرند یکدیگر را تشویق می کنند تا تبدیل به افرادی با قدرت عملکرد و توانایی بالقوه بالا برای جامعه باشند. افراد موفق مکرراً شریک زندگی خود را برای موفقیت هایی که بدست می آورند، تشویق کرده و به او اعتبار و امتیاز می دهند. همانطور که مشاهده کردید ترس از تعهد بخاطر از دست دادن هویت و آزادیهای فردی نوعی تشویش واهی و غیرواقعی است. در زندگی مشترک داشته ها آنقدر زیاد است که ترس از دست دادن استقلال در مقابل آن رنگ می بازند. مسلماً این امر در ابتدا مستلزم پذیرش ریسک بالایی است اما با در نظر گرفتن مراحل که در بالا به آنها اشاره شد، پس از چندی متوجه می شوید که مزایایی که بدست آورده اید تا چه حد بیشتر از "ریان" هایی است که به شما وارد شده.

اتفاقی عجیب در روند تاریخ

در میان حوادث تاریخی گاه به مواردی برمی خوریم، عجاب آور و نهت آفرین. دو حادثه به فاصله دسال از یکدیگر اتفاق افتاده است اما وجوه تشابه میان این دو حادثه آنقدر زیاد است که گویی کسی تمامی این موارد اتفاقی و تصادفی را از قبل برنامه ریزی و هماهنگ کرده است. دو تن از روسای جمهور امریکا آبراهام لینکلن و جان اف کندی موضوع این شگفتی شده اند. اخیراً برخی کارشناسان بین زندگی و مرگ دو رئیس جمهور اسبق امریکا یعنی آبراهام لینکلن و جان اف کندی وجوه تشابه فراوانی پیدا کرده و بر آن انگشت گذاشته اند که شگفتی هر خواننده ای را برانگیخته است. نگاه کنید:

آبراهام لینکلن در سال ۱۸۴۶ به کنگره راه یافت و جان اف کندی در سال ۱۹۴۶. لینکلن در سال ۱۸۶۰ به ریاست جمهوری انتخاب شد و کندی در سال ۱۹۶۰. هر دو رئیس جمهور به خصوص بر حقوق مدنی تاکید داشته اند. هر دو رئیس جمهور پس از ورود به کاخ سفید فرزندی را از دست دادند. هر دو رئیس جمهور روز جمعه کشته شدند و هر دو هم به ضرب گلوله ای که به سرشان اصابت کرد. منشی لینکلن، کندی نام داشت و منشی کندی، لینکلن. هر دو به دست فردی از اهالی جنوب امریکا کشته شدند و هر دو هم جانشینی بنام جانسون داشتند؛ اندرو جانسون که جانشین لینکلن شد، در سال ۱۸۰۸ به دنیا آمده بود و لیندون جانسون که بر جای کندی نشست، در سال ۱۹۰۸، جان ویلکس بوث که لینکلن را به قتل رساند، متولد سال ۱۸۳۹ بود ولی هاروی اوسوالد که به زندگی کندی پایان داد متولد ۱۹۳۹، هر دو قاتل اسمی سه بخشی داشتند و هر اسم از ۱۵ حرف تشکیل شده بود. لینکلن در تشارتری به نام فورد به قتل رسید و کندی در اتومبیلی به نام لینکلن، ساخته شده در کارخانه فورد، لینکلن در یک تاتر کشته شد و قاتلش پس از فرار، خود را در انباری مخفی کرد. کندی از انباری هدف قرار گرفت و قاتلش پس از فرار در یک تاتر پنهان شد. بوث و اوسوالد هر دو پیش از آغاز محاکمه شان به قتل رسیدند. و بالاخره اینکه لینکلن یک هفته پیش از مرگ خود در شهر مونرو در مریلند به سر میرید و کندی اوقات خود را با هنرپیشه یی به نام مریلین مونرو میگذراند.



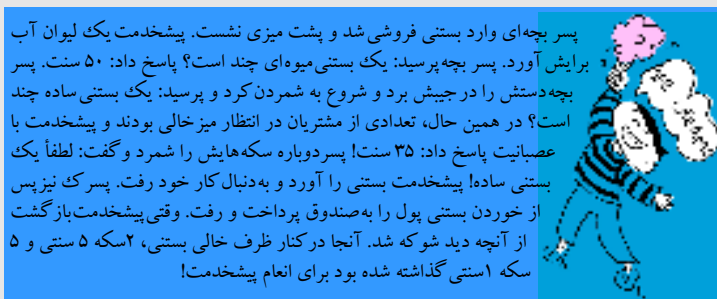
۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com

* معاد و رستافیز در دین یهود چگونه است؟

طبق اعتقاد یهودیت، روح انسان بلافاصله پس از مرگ و تدفین در دادگاه الهی براساس اعمالش مورد قضاوت واقع شده و براساس آن تعیین تکلیف می گردد. اگر فرد صالح باشد در جهان ارواح (عولام هتناموت) که دنیایی است شبیه آخرت قرار می گیرد که از آرامش و نعماتی شبیه به جهان آخرت تا روز قیامت بهره مند می گردد ولی اگر فرد خطاکار باشد تنبیه و جریمه او از همان هنگام شروع می گردد. که پس از پایان دوران کیفر و مجازات، براساس اعمال نیکش از نعمات جهان ارواح بهره مند می گردد تا زمان احیاء مردگان و رستافیز. که در روز رستافیز، بسیاری از افراد (بجز گروه خاصی از خطاکاران) احیاء می گردند که گروهی مستوجب مجازات جاودانه می گردند ولی بقیه از جهان آخرت که شامل دو مرحله است برخوردار می گردند.

مرحله اول زندگی مادی است شبیه به زندگی آدم و حوا قبل از خطا در باغ عدن و سپس به تدریج جسم انسان نیز تعالی یافته و جنبه روحانی و معنوی می یابد (همانند جسم الیاس نبی که طبق اعتقاد یهود زنده و بدون نیاز به گذر از معبر مرگ به جهان آخرت رسیده است) و مرحله دوم جهان آخرت که کاملاً معنوی و روحانی و بهره بردن و پیوستن به نور لایزال الهی است شروع می گردد.



نکاتی برای یک سخنرانی عمومی موفق

کنترل مخاطبان

مخاطبان را کنترل کنید. سخنرانی برای استفاده مخاطبان انجام می شود نه برای کسی که سخنرانی را ارائه می کند. شما باید بتوانید مفهوم عکس العملهای مخاطبان را بفهمید و واکنش مناسبی برای آنها اتخاذ کنید. در صورت امکان زودتر از موعد مقرر به سالن سخنرانی برسید تا حالتهای روحی مخاطبان را ارزیابی کنید. سعی کنید به سخنرانی قبلی گوش دهید. شما می توانید با بررسی واکنش مخاطبان به سخنرانی قبلی، حالت روحی آنها را ارزیابی کنید. علائم عدم توجه مخاطبان را بشناسید و در طول سخنرانی به آنها توجه داشته باشید. حالت کسالت و خواب آلودگی، خمیازه زیاد، ترک کردن سالن، نگاه کردن زیاد به ساعت، نجوا کردن زیاد مخاطبان، ضربات آهسته و تکراری پا و... اجازه بدهید مخاطبان بدانند که شما از احساسات آنها آگاه هستید. با آوردن مثالهای ملموس، کاربردی و روزمره، ضرب المثلهای، خاطرات جذاب و لطیفه های گهگاه فضای سخنرانی را تلطیف کنید تا سخنرانی شما کسالت آور و خسته کننده نباشد. لطیفه های مناسب با مطالب را در جاهای مناسب قرار دهید. این لطیفه ها حتماً باید کوتاه و در ارتباط مستقیم با مطلب باشند. استفاده از لطیفه و شوخی می تواند در مواقع زیادی موجب سوء برداشت شود. از بیان لطیفه هایی با موضوعات مربوط به نژاد، اقلیت های مهاجر، مذهب، مادرزن، مادرشوهر، نقص عضو و... خودداری کنید. با پرسیدن سؤالی با فواصل منظم، همه مخاطبان را درگیر سخنرانی کنید.

به مخاطبان بگویید که قصد دارید چند مطلب برای آنها بیان کنید و سخنرانی چه وقت به پایان خواهد رسید. برای این کار از عباراتی مثل "حالا سومین نکته از چهار نکته" یا "و حالا قبل از پاسخ دادن به سؤالهائی شما مطالب را در چند جمله خلاصه می کنم".

خلاصه مطالب و نتیجه گیری

سخنرانی خود را با یک خلاصه خوب و قوی به پایان برسانید. خلاصه سخنرانی باید همه مطالب و ایده های مهم را در برگیرد تا در انتها مخاطبان بتوانند از سخنرانی نتیجه گیری کنند. اگر به مخاطبان اطلاع دهید که به پایان سخنرانی نزدیک می شوید، می توانید مطمئن باشید که قبل از خلاصه کردن نکات اصلی سخنرانی، همه حواس مخاطبان متوجه شما است. سخنرانی را با یک نتیجه گیری قاطع پایان دهید. اساس نتیجه گیری را به طور قاطع و بر واقعیات و مطالبی قرار دهید که در طول سخنرانی ارائه کرده اید. در بخش نتیجه گیری سخنرانی از صحبت کردن با لحن تعصب آمیز خودداری کنید. تمام تلاش خود را بکار ببرید تا صحیح و بدون اشتباه سخن بگویید، مطالب و اقیاماتی را ارائه دهید که کاملاً در مورد آنها تحقیق کرده اید. سعی کنید نظرات شخصی خود را در مورد سخنرانی مطرح نکنید. قبل از نتیجه گیری، جلوی وسایل بصری که استفاده می کنید بروید تا مخاطبان بتوانند به خوبی شما را ببینند. با اعتماد به نفس بایستید و جمله های نهایی را محکم و مقتدرانه بیان کنید.

آیا میدانستید که افزایش میزان فاسفر در فون میتواند باعث جدا شدن کلسیم از استخوانها شود که در نهایت باعث ضعیف شدن استخوانها و شکسته شدن آنها میشود.



فوریه ۲۰۱۰

شماره ۵۲

سال پنجم

۴

آشنایی با اسامی خدا در کتاب مقدس

ال

این نام، نام عمومی الوهیت است، با وجود این باید گفت که در عهد عتیق، "ال" به ندرت به عنوان نام یک خدای غیر اسرائیلی به کار گرفته شده و یا اصلاً به کار نرفته است. مفهومی که همراه با این نام به چشم می خورد ایده ای حامل قدرت است، "آن قدر تمند". این نام خدا هیچ وقت در بخش های روایتی عهد عتیق به چشم نمی خورد، و تنها به ندرت در قطعات شعری مشاهده می شود. برخی این نظریه را آرایه کرده اند که این نام، نام اصلی خدایی بود که باستانیان پرستش می کردند، ولی با ورود فلسفه چند خدایی، این مفهوم اولیه و ناب رو به زوال گذاشت.

هنری می نویسد: "اگر چه مقوله عمومی نام خدا به بخشی از میراث زبانی بشریت بدل شده بود، به طور کلی اشارات به الوهیت در دوران اولیه تاریخ ادیان، امری متداول نبود؛ البته حداقل و به شکل فنی مفهومی مجرد از خدا را می توان مشاهده نمود. عناوین عمومی برای خدایان یا الوهیت غالباً بر اساس ماهیت ویژه ماوراء طبیعی آنهاست. ال، نه تنها به شکل عمومی مورد استفاده قرار می گرفت بلکه سخن از الوهیتی متعال نیز به میان می آورد، جاییکه دین سامی نیز تأیید کننده وجود معابد خدایان بود. عهد عتیق نه تنها از ال برای اشاره به "الوهیت" در مفهوم عمومی سامی استفاده می کند، بلکه برای توصیف خدای ابراهیم، و ذریت او نیز در مفهومی حقیقی و زنده آن را بکار می برد. ال برای آنان با معنی برترین خدا در معبد خدایان نبود، بلکه تنها و یگانه خدایی که آنان براساس مکاشفه خود او، او را پرستش می کردند. (کارل ف.ه. هنری، مکاشفه و اقتدار خدا، ۱۸۴: ۲) با وجود این که ریشه شناسی نام ال دشوار است، اما ظاهراً از ریشه ای منشأ شده است که به معنای "قدرت" یا "اولین در رتبه" است.

الوهیم خود نام

نام الوهیم ۲۵۷۰ بار در عهد عتیق برای اشاره به خدا بکار رفته است. در حقیقت این اولین نامیست که در پیدایش ۱:۱ برای خدا بکار رفته است. الوهیم در کتاب مقدس به منزله خالق، حاکم مطلق، و منشأ همه چیز تصور می شد. با وجودی که این امر حقیقت دارد که الوهیم و ال نام های کنعانی برای الوهیت هستند، اما در کتاب مقدس، الوهیم، منحصر خدایی یگانه است که موجودیت و نیروهای تمامی خدایان را در خود متمرکز کرده و تمامی کلیت الوهیت را به خود محدود ساخته است. (هنری، ۱۸۵)

ادامه در شماره بعد...

خواننده گرامی آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟ تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشد.

از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم. تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

Email: Tabdil@iranforchrist.com

آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA



نهضت کریزماتیک

یکی از درخور توجه ترین حرکت هایی که در قالب یک جنبش روحانی در قرن بیستم در مسیحیت آغاز و احیاء گردید و امروزه دارای سریع ترین سیر تصاعدی رشد در میان کلیساهاست، نهضت پنطیکاستی است. بررسی تاریخچه و سیر تطور این حرکت که خود را ادامه و تجدید حیات ریزش عظیم روح القدس بر کلیسا در دوران رسولان (اعمال باب ۲) می داند خود مبحثی بسیار مفصل است که در حوصله نوشته ای اینترنتی نیست. از آنجاییکه هر حرکتی با تمام کث و قوسهای خود در مسیر تاریخ کلیسا دارای نقاط قوت و ضعف می باشد باید این نهضت پنطیکاستی را نیز از این مقوله مستثنی ندانست و به دقت به الهیات و حتی عملکرد عینی آن پرداخت و نقاط قوت و ضعف آن را برشمرد. وقتی به این جنبش اشاره می کنیم بسیار دشوار است که امروزه آن را تحت لوای یک حرکت واحد و همگنی تعریف کنیم که در همه تاریخ صد و اندی ساله آن (حداقل اگر تنها به این موج جدید که از قرن بیستم شعله ور شده است بپردازیم) در همه جا به یک شکل ظهور کرده و اعمال شود. لذا باید دامنه تعریف خود را کمی مشخص تر بیان کنیم. این جنبش و یا نهضت درون کلیسایی که با آیات و نشانه های فوق طبیعی و خارق العاده خود را ابراز می کند ریشه های اعتقادی خود را در درون سطور عهد جدید و تجربه ایمانداران اولیه می یابد و حتی الهیات و اخلاقیاتی نیز بر این پایه تعریف می نماید. در ضمن باید این نکته را اضافه کرد که منظور از پنطیکاستی چیست؟ آیا منظور همان حرکتی است که از یک آموزشگاه کتاب مقدس در توپکای ایالت کانزاس شروع شد و بعدها در رویدادهای کریزماتیک ایمانداران خیابان آزوسا در لس آنجلس عمومیت یافت؟ یا منظور همان کلیسای پروتستان پنطیکاستی بعنوان یک فرقه کلیسایی است که برجسته ترین معرف این فرقه کلیساهای جماعت ربانی در تمام جهان است؟ یا منظور همان کلیساها و جنبش کریزماتیک در میان سایر کلیساهای پروتستان از جمله کلیسای اسقفی و نیز کلیسای تعمیدی (بابیست) هاست؟ باید توجه داشت که حتی در میان فرقه کلیسای پنطیکاستی نیز تعاریف و رویکردهای الهیاتی متفاوت وجود دارد بطوری که عده ای خود را پیرو نظریه کلاسیک و یا سنتی پنطیکاستی می دانند با تمام تعاریف الهیاتی خاص خود و تأکیدات بر تکلم به زبانهای روح القدس به عنوان اولین نشانه پری از روح القدس حال آنکه عده ای دیگر به عنوان موج سوم بطور گسترده تر در میان همه فرقه ها حتی در میان سایر شاخه های مسیحیت غیر پروتستان از جمله ارتدکس و کاتولیک نیز دیده می شوند که لزوماً تکلم به زبانهای روح را بعنوان تنها و اولین نشانه پری روح القدس نمی دانند و ظهور سایر عطایای روحانی را نیز از جمله نبوت، عطای شفا، اخراج ارواح و حتی پرستش تحت الهام روح و بسیاری از زمینه های دیگری را که عمل پوینده و فوق طبیعی و قدرتمند روح را بتوان در آن دید را نیز از نشانه های پری از روح القدس می دانند. این گروه بر خلاف گروه اول پری از روح را به عنوان عطیه ای ثانویه جدا از توبه نمی بینند و آن را در همان فرایند توبه و ایمان لازمه و



ایماندار می شمارند. در هر صورت در این مقاله نمی توان حتی به ذکر تیر وار این پدیده و تفاوتها و شباهتها و تاریخچه و نکات الهیاتی در میان این نهضت پرداخت اما نکته ای که بسیار حائز اهمیت است این است که ظهورات عمل پوینده و فراگیر و گاه خارق العاده روح را میتوان در میان پیروان همه شاخه های مسیحیت دید. البته باید این نکته را حتماً اشاره کرد که حتی عده ای از ایمانداران و حتی واعظین که خود متعلق به چنین نهضتی بوده اند راه به افراطها و تفریطها سپرده اند و حتی برخی از آنها بدعت هایی خطرناک را در قرن بیستم به راه انداخته اند (بعنوان مثال ویلیام برانهم در قرن بیستم باعث زنده شده دوباره بدعت مودالیستی که در قرون اولیه کلیسا محکوم شده بود گردید و از حوزه راست دینی مسیحی خارج شد و بسیاری را نیز گمراه نمود و کلیسای کاتولیک کاملاً در خصوص تثلیث، گناه آدم و حوا و وقایع زمانهای آخر و حتی تعمید را پایه گذاشت که متأسفانه در ایران نیز افرادی که دنباله رو عقاید بدعتی این فرقه غیر راست دینی هستند خود را بعنوان کلیسای ایران معرفی می کنند) شایسته است که ایمانداران کلیساهای پنطیکاستی با دیدی باز تر و با نگرشی که خالی از رویکردی برتری جویانه است به ایمان مسیحی و خصوصاً ایمانداران پر شور سایر فرقه های مسیحی بالخصوص کلیساهای سنتی از جمله کاتولیک و ارتدکس بنگرند و ظهورات کریزماتیک ایمان مسیحی را تنها مختص به خویش نبینند و حتی برخورداری از آن را نشانه فضیلت و بالاتر بودن ایمان مسیحی خویش نبینند. در ضمن کلیساهای مسیحیانی که خود از چنین تعریف کریزماتیک از الهیات و عملکرد (پراکسی) کلیسای خود برخوردار نیستند نیز تنها به واسطه باید و نبایدها و استانداردهای فرقه ای خود سایر پدیده ها را مردود و نادرست نپندارند و دست به قضاوت های عجولانه در مورد مسیحیانی که از چنین تجربه ای برخوردارند نزنند و آنان را به سخره نگیرند خویششان را در رابطه با پذیرش تجاربی که در سطره راست دینی مسیحی (ارتدکسی) تحقق مییابد گشوده و انعطاف پذیر ببینند زیرا هیچ بعید نیست که چنین تجارب کریزماتیکی روزی در زندگی روحانی آنها تحقق یابد همانگونه که در این فیلم زیر در رابطه با ایمانداران کاتولیک بعنوان حرکتی موج و کاملاً تأیید شده از سوی واتیکان روی داده است. حتماً این فیلم کوتاه تاریخی را تا به آخر ببینید. کیوان



۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@iranforchrist.com

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA





کلیسای سفیران مسیح

کیش التان و نازین باستانی



از شما دوستان فارسی زبان عزیز دعوت
به عمل می آوریم تا در جلسات عبادتی
این کلیسا که هر شنبه ساعت ۶ عصر در
شهر وُلدند هلیز و هر یکشنبه ساعت
۵ عصر در شهر ارواین برگزار
می گردد، حضور بهم رسانید.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

21300 Califa st. Woodland Hills, CA 81367

18842 Teller Ave. Irvine, CA 92612

www.SimaMasih.com info@IRANforCHRIST.com



حقایق درباره نوشابه رژیمی

چرا نوشابه رژیمی نوشیم؟ شاید بعد از خواندن این
مقاله وقتی دنبال نوشیدنی برای فرونشاندن عطش خود
هستید، بیشتر فکر کنید! فقط به این دلیل که نوشابه

رژیمی کم کالری است به این معنی نیست که چاق نمی کند. احتمالاً ۵۵ کالری یا کمتر
در هر بار استفاده آن موجود باشد اما تحقیقات نشان می دهد مصرف نوشابه های شیرین
حتی اگر به شکل مصنوعی شیرین شده باشند، تمایل به مصرف مواد شیرین را بیشتر
می کند. مثلاً مصرف غلات با شیر، نان، دسر و هر چیز شیرین و یا پر کالری دیگر.
اگر در نظر بگیریم در هر قاشق شکر ۱۵ کالری وجود دارد، این به هیچ وجه برای
رژیم لاغری شما خوب نیست. نوشیدن فراوان این نوع نوشابه ها مقدار شیرینی که
برای سلامتی لازم هست را نیز از بین می برد. نوشابه رژیمی صد درصد فاقد ارزش
غذایی است و باید بدانید مصرف اینهمه مایعات بی فایده جای مواد مغذی که بدن
شما نیاز دارد را اشغال می کند. این مهم است که در کنار رژیم تان مواد مورد نیاز
بدن را نیز دریافت کنید. اگر روزی یک قوطی نوشابه رژیمی می خورید اشکالی
نداره اما بیشتر از آن یعنی شما نوشیدنی های لازم بدن مثل آب و چایی که آنتی اکسیدان
زیادی دارند، جذب نخواهید کرد. چیزی که باقی می ماند آسپاراتام است. این یک ماده
شیمیایی مصنوعی و کم کالری است که برای شیرین کردن نوشابه های رژیمی استفاده
می شود. آسپاراتام یککصد و هشتاد بار شیرین تر از شکر است و بعضی تحقیقات در
حیوانات بخصوص جوندگان نشان داده است که مصرف بیشتر شیرینی با تومور
مغزی و لنفاوی در ارتباط است. مجامع جهانی اما عوارض جانبی مانند سرگیجه، سر
درد، اسهال، از دست دادن حافظه و تغییرات روحی را نیز گزارش داده است.



نظر کتاب مقدس درباره طلاق

عبارت "زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند" (متی ۱۹: ۹) نشان میدهد که در مورد استثناء،
طلاق و ازدواج دوباره جایز میباشد. اما باید توجه داشت به ما بشیم که فقط شریک بی گناه، حق ازدواج دوباره دارد.
اگرچه در متن ذکر نشده، ولی اجازه ازدواج بعد از طلاق، رحمت خداوند در مورد کسی است که بر علیه او گناهی
صورت گرفته، نه کسی که مرتکب گناه جنسی شده است. شاید تحت شرایط خاصی، به طرف گناهکار اجازه ازدواج
مجدد داده شود، اما این متن چنین اجازه ای برای شخص خاطی قائل نیست.

برخی، اول قرنیتان ۷: ۱۵ را استثناء دیگری جهت ازدواج دوباره می دانند، و آن، زمانی است که یک غیر ایماندار
همسر ایماندارش را طلاق می دهد. اگرچه متن مورد نظر اشاره ای به ازدواج دوباره ندارد، ولی اعلام مینماید که یک
ایماندار، به زندگی با همسر غیرایماندارش که قصد ترک او را دارد، مقید نیست. بعضی ها ادعا می کنند که خشونت و
آزار (همسر یا بچه) دلیل موجهی برای طلاق است (حتی با وجودیکه در کتاب مقدس ذکر نشده است). درست است
که این مورد، علت خوب و موجهی به نظر میرسد ولی عاقلانه نیست که آنرا کلام مقدسی جلوه کنیم.

گاهی اوقات کثرت بحث پیرامون شروط و استثنائات طلاق باعث میشود که حقیقتی مهم نادیده گرفته شود؛ و آن
اینکه زنا کاری - به هر شکلی که باشد - میتواند فقط مجوز طلاق باشد، نه لزوم آن. حتی در صورت وقوع زنا، یک زوج
می توانند به واسطه فیض مسیح بخشش را بیاموزند و زندگیشان را باز سازی کنند. خداوند ما را پیش از اینها بخشیده
است. مطمئناً ما نیز قادر خواهیم بود با پیروی از الگوی او، حتی گناه زنا را نیز ببخشیم (افسیان ۴: ۳۲). با این حال، این
امکان وجود دارد که طرف خاطی بدون جبران اعمالش، به گناه جنسی خود ادامه دهد. در چنین حالتی میتوان
متی ۱۹: ۹ را بکار گرفت. کتاب مقدس کاملاً آشکار نموده که خداوند از طلاق نفرت دارد (ملاکي ۲: ۱۶)، و آشتی و
بخشش باید نشانه های زندگی ایمانداران باشند (لوقا ۱۱: ۴؛ افسسیان ۴: ۳۲). با این وجود، خداوند می داند که طلاق،
حتی در میان فرزندانش رُخ خواهد داد. ایمانداري که طلاق گرفته و یا ازدواج مجدد داشته است، نباید احساس کند
که محبت خداوند نسبت به او کاهش یافته است، حتی اگر طلاق و ازدواج او تحت پوشش استثنای متی ۱۹: ۹ نباشد.
خداوند حتی از نافرمانی های گناه آلود مسیحیان استفاده می کند تا نیکویی عظیمش را به کمال رساند.

آلفا - امگا

ای الف و یاء - آلفا امگا (۲)

می پرستم، می ستایم، نام او را نام او را
ازدل و جان می سرایم نام او را نام او را
هوشیعیان بر لبانم، هوشیعیان، هوشیعیان (۲)

ای الف و یاء، آلفا امگا (۲)

در پریشانی و تنگی، در غم و هر رنج و سختی
می رهاوند از بدیها، چون بخوانم نام عیسی
هوشیعیان بر لبانم، هوشیعیان، هوشیعیان (۲)
ای الف و یاء، آلفا امگا (۲)

حمد و تسبیح بخوانم، با تمام قلب و ایمان
هوشیعیان بر لبانم، با تمام روح و با جان
هوشیعیان بر لبانم، هوشیعیان، هوشیعیان (۲)
ای الف و یاء، آلفا امگا (۲)

علیرضا سی (ایران)



فوریه ۲۰۱۰

شماره ۵۲

سال پنجم



بی خبری، خوش خبری
No news is Best news
شتر دیدی، ندیدی
You see nothing, You hear nothing
عجله کار شیطان است
Haste is from the Devil
کاجی به از هیچی
Something is better than nothing
گذشته ها گذشته
Let bygones be bygones
مستی و راستی
There is truth in wine
نو که اومد به بازار کهنه شد دل آزار
Out with the old, in with the new
هر فرازی را نشیبی است
High places have their precipices
هر که ترسید مرد، هر که ترسید برد
Nothing venture, nothing have
همه کاره و هیچکاره
Jack of all trades and master of none
ارزان خری، اتیان خری
Don't buy everything that is cheap
آشپز که دوتا شد آش یا شور میشه یابی نمک
Too many cooks spoil the broth
انگار آسمون به زمین افتاده
It is not as if the sky is falling
اندکی جمال به از بسیاری مال
Beauty opens locked doors
آدم عجول کار را دوباره میکنه
Hasty work, Double work
آدم دانا به نشتر زند مشقت
A wise man avoids edged tools
آدم زنده زنده گی می خواد
Live and let live
آدم ترسو هزار بار می میره
Cowards die Many times Before Their Death

جاده

یک بنده خدایی، کنار اقیانوس قدم میزد و زیر لب، دعایی را هم زمزمه میکرد. نگاهی به آسمان آبی و دریای لاجوردین و ساحل طلایی انداخت و گفت: - خدایا! میشود تنها آرزوی مرا بر آورده کنی؟ ناگاه، ابری سیاه، آسمان را پوشاند و رعد و برقی در گرفت و در هیاهوی رعد و برق، صدایی از عرش اعلی بگوش رسید که میگفت: چه آرزویی داری ای بنده محبوب من؟ مرد، سرش را به آسمان بلند کرد و ترسان و لرزان گفت: - ای خدای کریم! از تو می خواهم جاده ای بین کالیفرنیا و هاوایی بسازی تا هر وقت دلم خواست در این جاده رانندگی کنم!! از جانب خدای متعال ندا آمد که: - ای بنده من! من تو را بخاطر وفاداریات بسیار دوست میدارم و می توانم خواهش ترا بر آورده کنم، اما، هیچ میدانی انجام تقاضای تو چقدر دشوار است؟ هیچ میدانی که باید تا اقیانوس آرام را آسفالت کنم؟ هیچ میدانی چقدر آهن و سیمان و فولاد باید مصرف شود؟ من همه اینها را می توانم انجام بدهم، اما آیا نمی توانی آرزوی دیگری بکنی؟ مرد، مدتی به فکر فرو رفت، آنگاه گفت: - ای خدای من! من از کار زنان سر در نمی آورم! میشویدیم بفهمانی که چرا زنان می گریند و احساس درونی شان چیست؟ اصلاً میشوید به من یاد بدهی که چگونه می توان زنان را خوشحال کرد؟ صدایی از جانب باری تعالی آمد که: ای بنده من! آن جاده ای را که خواسته ای، دو باندی باشد یا چهار باندی؟



حتی پشت بام مهمانخانه ها نیز اشغال شده بود. به هر حال، با کوشش فراوان توانستند باغ کوچکی را بیابند و شب را در آنجا بسر برند. پس از صرف شام فاطمه سلطان در حالیکه تفنگی در دست گرفته و مشغول پاسداری بود، به دیگران دستور داد که بخوابند.

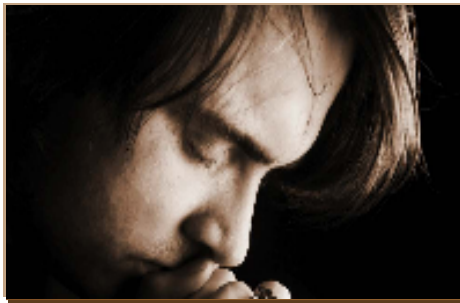
(البته دستوری که اجرائیش برای پشه کوره ها مشکل بود). در دهکده بعدی مأمور تعویض اسبها، مردی تنبل و گستاخ بود. فاطمه سلطان یکی دو، سیلی به صورتش نواخت، سپس دستور داد تا وی را تازیانه زنند. هر موقع که کالسکه چی ها یا آنانیکه مأمور تهیه و تعویض اسبهای چاپاری بودند در کار خود کوتاهی و غفلت میورزیدند و یا احیاناً ایجاد ناراحتی میکردند، فاطمه سلطان شخصاً رسیدگی و آنها را مجازات میکرد. بالاخره شهر تاریخی اصفهان و پل با شکوه الله وردیخان با سی و سه طاق آن در نظر نمایان شد. سعیدخان ابتدا از دور نمای پایتخت شاه عباس کبیر مأیوس گردید، اما وقتی به میدان شاه رسید و مساجد مجلل و باشکوه و سایر اماکن تاریخی را که گواه عظمت ایران باستان است، مشاهده نمود، یأس مبدل به امید و قلبش شرشار از شغف و سرور گردید. ضمن دیدن آثار باستانی، به جلفا محله ارمنی نشین رفت تا تعدادی انجیل و جزوات تهیه نماید. سعیدخان پس از ملاقات با سواران ایلخانی در اصفهان که مردانی بلند قد و چهارشانه بودند، بقیه راه را بدون همراهی فاطمه سلطان و ملازمانش پیمود. ساعت یازده شب عازم شاه نشین، اقامتگاه رئیس قبیله شدند. هوای پائیزی بسیار سرد بود. در آن سوی دشت هموار، نور ضعیف شعله های آتش قبیله چادر نشین آنها را بطرف خود دعوت میکرد. پاسی از نیمه شب گذشته بود که به خیمه چوپانان که در دامنه تپه ای پر آب و علف برپاشده بود رسیدند و در آنجا اندکی به استراحت پرداختند. هر چند آتش زیادی برایشان درست کردند، با وجود این دکتر از شدت سرما نتوانست بخوابد. سپیده صبح مجدداً اسبها را زین کرده به راه خود ادامه دادند. در حین که از میان دهاات ساکت و آرام عبور میکردند، سواران قشقائی در بین مردم وحشت ایجاد نمودند و آنها را مجبور میکردند که خوراک خود و علقی اسبها را بدون چون و چرا فراهم کنند. ناگهان چادرهای ایل قشقائی نمایان شدند. چادرهای سیاه با یک خیمه نسبتاً بزرگ در دشتی وسیع. سعیدخان مورد استقبال ایلخانی که مردی بلندقد و زیبا اندام و خوش مشرب بود قرار گرفت فوری دکتر را به بیمارانش - بی بی خانم و پسر سه ساله اش ناصر معرفی کرد. بی بی خانم و خواهرانش هر دوزناتی زیبا و جذاب بودند. زنان عشایر رسم چادر پوشیدن را ندارند. آنها دلیرانه دوش به دوش مردان کار میکنند. سعیدخان بعد از مدت کوتاهی استراحت در میان خیمه اختصاصی، هدایائی که برای ایلخانی و همسرش برده بود به آنها داد. در بین این هدایا یک جلد کتاب انجیل به چشم میخورد. در میان ساکنان خیمه ایلخانی، سیدی بود که کار طبابت خانواده رئیس قبیله را بعداً داشت.

سعیدخان هرگز شخصی مانند او که متبحر در علوم و احادیث اسلامی و دارای طبع شاعری و وارد در کار طبابت و آشنا با فلسفه و منطق و حتی زبان عربی باشد ندیده بود. این شخص ابتداء از اینکه کار وی را بی نتیجه دانسته و بدنبال دکتر دیگری فرستاده بودند، رنجیده خاطر شد. کم کم باب آشنائی آن دو گشوده شد. سعیدخان پدیدن او رفت. روز بعد که سید به دیدن دکتر آمد وی را در خیمه اختصاصی مشغول مداوای چند بیمار یافت. او نوع بیماری و طریقه معالجه رمضان را برای سید شرح می داد از آن پس دستیار سعیدخان گردید. برایش مشکل بود بفهمد که چطور دکتر سعیدخان حاضر است بعضی از کارهای طبابت و معالجه بیماران را به او بیاموزد. سعیدخان به او گفت دستور مسیح را اجرا می کند که فرموده است: **مفت یافته اید و مفت هم بدهید.**

ادامه در شماره بعد...



سعیدخان چند روز بعد از ورودش به تهران، به ملاقات دوستش نخست وزیر رفت تا از تهیساتی که برای سفرش فراهم نموده بود، تشکر و قدردانی نماید. مشکل بعدی او انتقال خانواده اش از همدان به تهران بود. به ربکا توصیه کرد که خانه های شهری و ییلاقی را هر دو بفروشد و به تهران بیاید. اما ربکا حاضر نشد به پیشنهاد شوهرش در مورد فروش منازل و رفتن به تهران عمل کند. سرانجام بدون آنکه خانه ها را بفروشد راضی شد به نزد شوهرش برود. سالها بعد که به همدان مراجعت نمودند، ارزش تصمیم عاقلانه ربکا معلوم شد. مخصوصاً منزل ییلاقی که مکانی مناسب برای رفع خستگی و استراحت در زمان بازنگشتگی بود. ایل قشقائی یکی از بزرگترین قبایل چادر نشین ایران به شمار میرود. آنها منسوب به قشقا ترکستان میباشند که در قرن سیزدهم میلادی بوسیله هلاکوخان، نوه چنگیزخان مغول به ایران آمدند. آنها هنوز زبان ترکی اجداد خود را از یاد نبرده اند. رئیس قبیله قشقائی شخصی بود بنام ایلخانی. تعداد رمة ها بی شمار و صدها هزار گاو و گوسفند و قاطر و الاغ و شتر دارند. فصل بهار در حدود پنجهزار نفر با گله ها و رمة های فراوان بطرف شمال در منطقه اصفهان کوچ میکنند و فصل پائیز شاهد مراجعت این ایل عظیم بسوی مراتع سرسبز و خرم جنوب میباشد. ایلخانی رئیس مطلق و فرمانروای خود مختار این قبیله بود. پائیز ۱۲۸۷ خورشیدی از دکتر سعیدخان تقاضا شد که برای معالجه زن ایلخانی که در نواحی اصفهان خیمه زده بود به آن سوی برود. دسته مسافران از ۹ نفر تشکیل شده بود - خانمی که ترتیب سفر را داده بود (چون در کتاب اصلی اسم این خانم ذکر نشده است و ما هم مجبوریم در مطالعه خود تا اصفهان او را همراهی کنیم بنابراین وی را به اسم مستعار فاطمه سلطان مینامیم) با برادر زاده اش، یک زن با دختر دوازده ساله او، یکی کلفت، دونوکر و دکتر با خدمتکارش. مسافرت بوسیله سه گردونه انجام میشد که یک و آگن بوسیله تخته های چوبی بدو قسمت مجزاشده بود و دو اسب آنها میکشیدند. بار و بنه قسمت زنها عبارت بود از یک دست رختخواب بزرگ، یک سفره پر از نان، و یک بغچه مخصوص پر از خرده ریزهای زنانه. ساعت ده صبح در هوای صاف و آفتابی از دروازه شهر خارج شده و جاده خاکی را بقصد منزل ایلخانی درپیش گرفتند. اولین توقف کامل آنها در شهر قم بود. زائران فراوانی به این شهر هجوم آورده بودند. بعضی برای به خاک سپردن اموات خود و عده کثیری هم به قصد زیارت. مسافر خانه ها و قهوه خانه ها ملو از زائرین بود. برای فاطمه سلطان و همراهانش جائی پیدا نمیشد.



خداوندا، من اعتراف می کنم گناهکار هستم. ایمان دارم که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان خود را فدا نمود و بوسیله رستخیز از مردگان و غلبه بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او را بعنوان نجات دهنده در قلب خود می پذیرم. آمین

اکنون در مورد تفاوتها بحث میکنیم. نقش اصلی مرد در رابطه جنسی این است که فعال میباشد. یعنی ابتکار در دست او است. نقش زن عبارتست از نشان دادن عکس العمل. لاقط میتوان گفت که در بیشتر موارد چنین است. البته مقصود این نیست که زن دارای نقشی کاملاً منفی میباشد. زن هم میتواند در بعضی از مراحل ابتکار عمل نشان دهد ولی حتی در این موارد هم هدف او این است که در شوهرش ابتکار ایجاد نماید. در واقع زن حالت انفعالی دارد و عکس العمل مساعد نشان میدهد. تا در شوهر تمایل فعالانه وجود نداشته باشد هیچ موردی برای عکس العمل زن وجود نخواهد داشت و زن نمیتواند وظیفه زنانه خود را انجام دهد. این نکته را هم باید اضافه نماییم که رابطه جنسی برای مرد بسیار ساده و مستقیم است زیرا وی از تمایل شدیدی که او را به طرف هدف روشنی میکشاند پیروی میکند. چون مرد دارای نقش فعال میباشد حرکاتی انجام میدهد که او را اقناع می نماید. ولی احساسات زنان پیچیده تر و پراکنده تر است. جو و محیط معاشقه ممکن است تأثیر زیادی در تحریک جنسی زن داشته باشد. او باید کوشش نماید که با حرکات شوهرش هماهنگ گردد تا همراه اقناع تمایلات شوهرش تمایلات وی نیز اقناع شود. ضمناً، در اغلب موارد، عکس العمل زن آهسته تر از عکس العمل شوهر است. برای زن مدت بیشتری لازم است تا برای نزدیکی آمادگی پیدا کند و به همین دلیل لازم است شوهر وقت بیشتری برای معاشقه قبل از نزدیکی صرف نماید تا زن کاملاً تحریک شود. زن دیرتر به نقطه اوج لذت جنسی یا اورگاسم میرسد به همین دلیل شوهر باید حوصله داشته باشد و حرکت خود را کنترل نماید تا زن همراه او یا قبل از او به نقطه اوج برسد. بعد از رسیدن به نقطه اوج لذت جنسی هم، زن مدت بیشتری وقت لازم دارد تا تمدد اعصاب و آرامش پیدا کند و به همین دلیل اگر شوهرش فوراً او را ترک نماید و به خواب برود زن خیلی ناراحت خواهد شد. شوهر باید در کنار همسر خود باقی بماند تا زمانی که هر دو آرامش لازم را پیدا کنند. اگر زن و شوهر این توضیحات را که درباره احساسات طرفین ذکر کردیم همیشه در نظر داشته باشند، در آن موقع میتوانند در این مورد تجربه کسب نمایند که چگونه باید از بدن یکدیگر استفاده کنند تا منتهای لذت را از یکدیگر ببرند. مثلاً طرز قرار گرفتن بدن در موقع نزدیکی در درجه دوم قرار دارد. برای مجامعت یا نزدیکی یک راه مشخص یا قانونی و قطعی وجود ندارد. فقط باید یک هدف را در نظر داشته باشیم و آن این است که احتیاج جنسی طرفین به وسیله ابزار محبت متقابل به بهترین نحو برطرف گردد. اگر در اجرای این هدف بکوشند دیگر احتیاجی وجود نخواهد داشت که اگر در اجرای این هدف بکوشند دیگر که بر اثر سرماخوردگی از یکدیگر فراری شوند و برای ارضاء امیالی که در ازدواج اقناع نشده اند در جستجوی راههای دیگری باشند.



نویسنده: دیوید میس
مترجم: طر. میکائیلان
فصل ششم، امور جنسی

موفقیت در زندگی زناشویی

ماهنامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا

با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525 949. 681 . 8000
http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm

آقای از شما



انسانی گنهکارم، عیسی نجاتم ده
در وادی هلاکم، عیسی نجاتم ده
تنها ترا دارم تنها ترا خوانم،
آزادم گردان و پاکی را بادم ده
تو نیکویی خداوند، ترا چشیده ام
رحمت را هرروزه، پدر جان دیده ام
هر دفعه کردم خطا بخشیدی مرا،
کوتاهی از من و آقای از شما
از هر نامی نامت، بر تراست ای عیسی
نامت بردو عالم، سرور است ای عیسی
خود را کردی فدا با عشقی بی همتا
از ته دل گویم: دوست دارم عیسی

علیرضا. س

عشق آزاد
خوش آن صبی که صبا و شمع باشی خوش آن شیرین که فروزش تو باشی
عروس دل چه شایسته نماید اگر بسیند که دامادش تو باشی
فلک را نور می بخشد هر آن جان به گنجی که در یادش تو باشی
در عالم تا ابد ویران نگردد هر آن شهری که بنیادش تو باشی
ستم نابود گردد لرزان اگر که گردد درادش تو باشی
همیشه لاله های عشق روید در آن صحرا که فریادش تو باشی
زین و آسمان را آفریند با می که میلادش تو باشی
کجا در حلقه رفعت بماند کسی که عشق آزادش تو باشی
جهان، تسلیم گیرد ای سیمای زشگروی که ایستادش تو باشی
قلعه دگر

چنانچه مایل هستید، میتوانید نسخه چاپی کتاب مقدس فارسی را در وب سایت زیر مطالعه فرمائید.

www.SimaMasih.com



سال پنجم شماره ۵۲ فوریه ۲۰۱۰

عیسی که بود؟

نویسنده: آرمان رشدی



اعتقاد یهودیان در مورد مقام مسیحای موعود

در نظر یهودیان که چنان میراث غنایی از موسی، بنیانگذار تنها دین توحیدی جهان تا آن زمان، یافته بودند، و امانتدار نوشته ها و پیشگویی های انبیای خود بودند، «مسیح موعود» در ردیف انبیا قرار نمی گرفت. به باور آنان، مسیح وجودی خواهد بود برخوردار از ذات و طبیعتی الهی. آنان می دانستند که طبق نوشته های انبیا، او کسی بوده که در کنار خدا، حتی در امر خلقت عالم هستی نیز دخیل بوده، چنانکه در یکی از این نوشته ها در مورد او گفته شده: «از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمانها عمل دسته های تو است. آنها فانی می شوند لیکن تو باقی هستی...» (زمزم ۱۰۲:۲۵-۲۶). برای آنان مسیح قرار نبود «یکی» از انبیا باشد. مسیح می آمد تا رسالت تمام انبیا را، از ابراهیم گرفته تا آخرینشان یعنی ملاکی، جامه عمل ببوشاند، آنها را به کمال برساند، و به دوران نبوت خاتمه ببخشد، چرا که سلطنت او را پایانی نخواهد بود. چنین بود مقام و مرتب مسیحای موعود نزد بنی اسرائیل. در چنین تب و التهایی بود که عیسی از مریم باکره در بیت لحم، دهکده ای کوچک در سرزمین فلسطین زاده شد.

پادشاهی با قوانینی دیگرگون

در نظر بعضی، عیسی یکی از انبیا بود، یکی از برجسته ترین آنها. بعضی دیگر او را معلم برجسته اخلاق و منادی محبت و بخشش می دانند. و عده ای دیگر، او را «مسیح» می نامند. در این بخش خواهیم کوشید شرح دهیم که عیسی مسیح برای چه آمد؛ چه کرد؟ و رسالتش چه بود؟ یهودیان همزمان او را که می پنداشتند؟ عیسی در نظر آنان چه مقامی داشت؟ اگر او دین و شرعی جدید نیاورد، پس رسالتش چه بود؟ آیا او فقط آمد تا مردم را به محبت بند و اندرز دهد؟ اگر چنین بود، اصلاً آیا لازم بود که بیاید؟ چرا او را «مسیح» لقب دادند؟ هدف ما به طور کلی این خواهد بود که زندگی و تعالیم و معجزات عیسی را در چارچوب تاریخی اش بررسی کنیم و ببینیم در این چارچوب، تعالیم و کار او چه معنایی می داده است؟ به عبارت روشنتر، ما می خواهیم همچون یک خبرنگار، به سرزمین فلسطین برویم، و از زندگی عیسی ناصری، ملقب به «مسیح» گزارش مستند تهیه کنیم. برای این کار باید به دو هزار سال پیش باز گردیم، به شرایط تاریخی و فرهنگی و مذهبی آن روزگار. و اینک گزارش خبرنگار ما! نام او «عیسی» بود، یا به تلفظ درست عبری اش، «یشوعه». او را «عیسی ناصری» می خواندند چون در شهر کوچک ناصره بزرگ شده بود. و شاگردان و پیروانش او را «مسیح» لقب دادند، یعنی «مسیح شده» یا «مبعوث شده» خدا برای رسالتی خاص. در تب و التهاب یهودیان برای ظهور مسیحای موعود و رهایی ایشان از ستم حکومت های استعمارگر یونان و روم، مدعیان بسیاری برای مقام مسیحایی قد علم کردند.

ظهور مدعیان مقام «مسیحایی»

همانطور که قبلاً گفتیم، در چنین شرایطی که برای یهودیان دیندار قابل قبول و درک نبود، افراد و گروه های متعددی برای تحقق بخشیدن به وعده های الهی و رهایی ملت خود کمر همت بستند. در اینجا به طور بسیار مختصر به چند مورد از آنها اشاره خواهیم کرد.

قیامی موفقیت آمیز

نخستین اقدام جدی علیه حکومت های غاصب ییگانه، در سال ۱۶۸ پیش از میلاد، به دست بک کاهن سالخورده به نام متاتیاس آغاز شد. او علیه فشارهای مذهبی حکومت سلوکی های سوری سر به شورش گذارد و پس از مدتی مبارزات خونین، موفق شد استقلال سیاسی سرزمین اسرائیل را به دست آورد. جانشینان وی حاکمیت مستقل یهودیان را ادامه دادند، اما دیری ناپید که برای مبارزه با تهدیدات یونانی ها، دست به دامن حکومت روم شدند، و به تدریج تبدیل به حکومتی گردیدند وابسته به

به روم. حکومت خاندان متاتیاس چنددهه پیش از میلاد مسیح برچیده شد و سرزمین فلسطین رسماً جزو مستعمرات امپراطوری روم درآمد. **فعالیت های چریکی** با شکست خاندان متاتیاس، امید یهودیان به اینکه «مسیح موعود» از این خاندان ظهور کند، نقش بر آب شد. اما یهودیان دیندار دست از تلاش برنداشتند. حکومت روم همواره در حفظ سلطه مطلق خود بر فلسطین و یهودیان دچار مشکل بود. ایشان نه به استیلای سیاسی رومیها گردن می نهادند، و نه حاضر بودند مانند سایر ملل، خدایان رومیها و یونانیها را بپرستند. علاوه بر این، پرداخت مالیات و خراج به رومیها را کفر به خدا می شماردند. از اینرو، دوره ای نبود که گروه های چریکی یهودی، قیامی علیه روم بر پا نکنند. بسیاری از رهبران این شورشها، خود را «مسیح موعود» معرفی می کردند که از سوی خدا برای رهایی یهودیان از ستم بیگانگان و برقراری کامل حاکمیت الهی بر کلیه شئون زندگی یهودیان فرستاده شده اند. اما قیام آنان جز خون ریزی و نابودی چیزی به همراه نداشت. «باراباس»، مردی که به هنگام محاکمه و محکومیت عیسی به جای او از زندان آزاد شد، عضو یکی از همین گروه های چریکی بود که به جرم ایجاد شورش علیه رومیها در زندان به سر می برد، شورش که منجر به کشته شدن عده ای شده بود. شرح آزادی باراباس در انجیل ها آمده است.

گروه های تارک دنیا

در کنار این قیام های خونین، برخی از یهودیان متدین، گروه های مذهبی کوچکی تشکیل دادند و با ایجاد مراکزی شبیه به صومعه ها، از فساد و هبایوی سیاسی جامعه دوری گزیدند و زندگی خود را وقف تزکیه نفس و مطالعه کتب مقدسه و عبادت نمودند (نظیر فرقه معتزله در دین اسلام). امید این گروه ها این بود که از طریق چنین زندگی پارسامناشه ای، خدا لایقشان بشمارد و «مسیح موعود» را از میان ایشان برانگیزد. برخی از محققین معتقدند که یحیی تعمیددهنده به یکی از این گروه های معتزله وابسته بوده است. در سال ۱۹۴۷، در نزدیکی دریای مرده، در بیابانهای فلسطین، طومارهایی به طور تصادفی در غارهای «قمران» کشف شد که حاکی از وجود چندین گروه معتزله یهودی می باشند. این طومارها به طومارهای دریای مرده یا قمران شهرت دارند.

قیام های خونین و ویرانی اورشلیم

در حدود سال ۶۶ میلادی، عده دیگری از مدعیان مقام «مسیحایی»

اشکال کار این مدعیان کار تمام این مدعیان، چه آنان که دست به قیام و مبارزه قهرآمیز می زدند و چه آنان که گوشه عزلت می گزیدند، یک اشکال عمده داشت. طبق کتب مقدسه یهود، برقراری مجدد سلطنت خاندان داود و استقلال سیاسی این ملت، فقط یک جنبه از کار مسیح موعود بود. جنبه مهم دیگری از کار او، برقراری عدالت و استقرار عصری بود که در آن ملت یهود می بایست در سعادت فردی و اجتماعی زندگی کنند. در این خصوص، چند پیشگویی از اشعای نبی (۷۰۰ سال پیش از میلاد) را برای نمونه ذکر می کنیم. در باب یازدهم کتاب اشعای، در اشاره به این عدالت و صلح و صفای این عصر طلایی چنین نبوت شده: «نهالی از تنه یسای [یعنی از نسل یسای، پدر داود نبی] بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت، و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد، و به جهت ظلمان زمین به راستی حکم خواهد نمود... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و بلسک با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند... و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت... و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهد کرد...» در باب ۶۱ نیز رسالت مسیحای موعود چنین پیشگویی شده: «روح خداوند بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم... و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم.» یکی دیگر از کارهای مسیحای موعود، شفای بیماران خواهد بود.

ادامه در شماره بعد...

ماهنامه تبدیل، در خدمت جامعه فارسی زبان

خواننده گرامی؛ چنانچه مایل هستید، شما میتوانید نسخه چاپی کتابمقدس فارسی را در این وب سایت مطالعه فرمائید.

www.SimaMasih.com



محبت سوء زن ندارد.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com

P O Box 371043 Reseda, CA 91337





معرفی کلیساهای ایران

معرفی کلیساهای استان قزوین کلیسای رفیع

کلیسای رفیع در حیاط مدرسه‌ای به همین نام، در شهر قزوین قرار دارد. این کلیسا در دوره پهلوی اول، در این محوطه که از دیرباز مجموعه آموزشی و عبادتی ارمنیان این شهر بود، ساخت. کلیسا دارای بنایی آجری با طرحی مبتنی بر محورهای چلیپایی است و فضای اصلی آن به شکل مستطیل و دارای چهار ستون است. محور این فضا، شرقی-غربی است و در ضلع شرقی آن، محراب کلیسا قرار دارد که با چند پله از هال نمازخانه جدا می‌شود. در دو طرف محراب، دو اتاق کوچک قرار دارد. در ضلع غربی کلیسا، دری دیده می‌شود که به فضای زیر برج ناقوس راه می‌یابد. این فضا طرحی هشت گوش دارد. ورودی کلیسا به شکل نیم‌دایره و در ضلع جنوبی است و به قرینه، در ضلع شمالی، فضایی شبیه به آن ساخته‌اند.

کلیسای کانتور (برج ناقوس)

کلیسای کانتور معروف به "برج ناقوس" در جنگ جهانی دوم در زمان اشغال ایران به دست روسها در شهرستان قزوین ساخته شد. این کلیسای کوچک مانند سایر کلیساهای دارای طرحی چلیپایی است و محراب آن رو به شرق است. ورودی کلیسا در ضلع غربی آن قرار دارد و شامل فضای ورودی با سقف شیب دار و در ورودی، پیش فضای هال قرار دارد که بالای آن برج ناقوس کلیسا با ارتفاع حدود یازده متر به چشم می‌خورد. هال شامل نمازخانه و محراب است و در دو طرف آن دو فضای مستطیل شکل قرار دارد. فضای محراب به شکل نیم دایره است و بر فراز آن گنبدی قرار گرفته است. فضای نمازخانه دارای گنبد و فضاهای جانبی آن دارای پوشش تخت است. در نمای خارجی این کلیسا، ستون‌های تیرینی دیده می‌شود.

کلیسای سنندج

این بنا در ضلع غربی خیابان نمکی و در محله قدیمی "آقازمان" که محله‌ای مسیحی نشین است قرار دارد. اواخر صفویه در زمان حکومت شاه عباس دوم، هنگامیکه ارمنه توسط دولت عثمانی به ایران تبعید شدند، گروهی از آنها در شهر سنندج ساکن و احتمالاً در همان زمان به ساخت کلیسا اقدام نمودند. شیوه ساخت و نوع معماری کلیسای سنندج تحت تأثیر معماری سبک اصفهانی است و تلفیقی از نماسازی سبک بومی مانند طاق نما و ستون نمای آجری در آن به کار رفته که به فرم مشعل در بخش فوقانی به صورت سه ترکی آجر کاری شده است. خطوط عمودی در نمای بیرونی ساختمان تأکید بر ارتفاع کلیسا است. در کل دسته ناقوس کلیسا کاشی‌ها و گره چینی قابل ملاحظه است. حجاری سنگ‌های سر در ورودی که دارای نقش گل‌لوتوس و ترنج است، کار استادان سنندجی است. این کلیسا دارای قناتی فعال است و آب‌نمای زیبایی نیز در داخل حیاط آن در ضلع جنوبی دیده می‌شود.

کلیسای پروتستان

این کلیسا که مخصوص مسیحیان انجیلی است در تبریز، خیابان شریعتی جنوبی در کوچه والمان واقع شده است.

کلیسای سرکیس مقدس

این کلیسا در خیابان شریعتی جنوبی در محله "بارون آواک" تبریز واقع شده و بنای آن در سال ۱۸۲۱ میلادی توسط پطروسیان ساخته شده است. در داخل کلیسا چهار ستون آجری با پایه‌های سنگی، گنبد بزرگ وسطی و طاقهای متعدد، سقف را نگه داشته‌اند و محراب و نمازخانه‌های فرعی را نیز از تالار اجتماعات جدا ساخته‌اند. تصاویری از مریم، عیسی و حواریون، دیوار غربی کلیسا را زینت بخشیده است.

۱۵امه در شماره بعد....



آیا میدانستید که با یک مداد میشود خطی به طول پنجاه و هشت کیلومتر کشید



سال پنجم شماره ۵۲ فوریه ۲۰۱۰

آذیر خطر

قسمت دوم {جنگ نیکو}

* آغاز جنگ

صدای مهیب، بمب خمپاره، کشته و ضخمی و گریه و شیون و آوارگی جنگ جز این چیزها چیز دیگری به بار نمی‌آورد و خاطرات آن سالها بجا میماند. اما صحبت ما از جنگ، جنگ بین ملیتها و قدرتها نیست. این جنگ جنگ نیکوست که به واسطه عیسی مسیح فقط یک

پیروز دارد و آن پیروز ما هستیم اما به یک شرط و چند نکته: زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه باریاستها و قدرتها و جهانداران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت درجایهای آسمانی. (افسیان ۶: ۱۲). ما اول باید بدانیم برای چه چیزی و با چه کسی داریم جنگ میکنیم. جنگ ما با نفس و با شیطان است و ما با کمک و اقتداری که عیسی مسیح به ما داده و با استفاده از سلاح ایمان و کلام خدا که مانند شمشیر دو دم میماند پیروز خواهیم شد. ما میدانیم که شیطان وجود دارد، شیطان واقعیت دارد (اول پطرس ۵: ۸-۹). هر چه ما به خدا نزدیکتر باشیم شیطان بیشتر به ما حمله میکند و از چه طریقی به ما حمله میکند. یکی از این حمله‌ها هوای نفس است که شامل خیلی چیزها میشود مثل شهوت و وسوسه و غیره.... ولی ان را باید قابل ذکر بدانیم که وسوسه به خودی خود گناه نیست هر کسی امکان دارد که وسوسه شود خود مسیح هم وسوسه شد و با او روبرو شد ولی بر او غلبه کرد و هر چه از اراده ما خارج باشد شیطان راحت‌تر و بیشتر به ما حمله میکند و مطمئناً او پیروز میشود. ما میدانیم که شیطان وجود دارد و اگر وجود نداشت کار خدا بر روی صلیب بیهوده و چرا اصلاً خود لباس جسم پوشید و پسرش را بر روی زمین فرستاد تا با چیزی که وجود ندارد، بجنگند. کتاب مقدس در اول یوحنا ۳: ۸ می‌گوید: ... از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. خداوند برای مبارزه با شیطان به واسطه ایمان به عیسی مسیح به ما اقتدارهایی داده که ما میتوانیم از این اقتدارها در این جنگ استفاده کنیم.

کلام خدا به‌وضوح به ما در مورد استفاده از این اقتدار به‌ما توضیح داده و ما را یاری کرده تا در این جنگ پیروز باشیم. اما ما نباید نسبت به این اقتدارها بی‌تفاوت باشیم و باید با ایمان از ان استفاده کنیم و آن را تقویت نماییم و هر روزه محکم‌تر و مقاوم‌تر از هر روز با دعا و مطالعه کتاب مقدس آن را تقویت و تازه کنیم. در متی ۱۸: ۱۹-۱۸ عیسی ابتدا می‌گوید، تمامی قدرت (اقتدار) در آسمان و بر زمین به من داده شده است. و بعد می‌گوید که پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید. او همان اقتدار را به من و شما منتقل کرده است. او اینکار را کرده، چونکه به‌ما مأموریت مخصوصی را محول کرده است (دوم قرنتیان ۵: ۲۰). وقتی پولس در مورد اسلحه تام خدا می‌نویسد (افسیان ۶: ۱۱-۱۷)، خود در زندان، به‌زنجیر نگهبانان رومی بسته شده است. او از نمونه زره یوزباشی رومی برای اسلحه روحانی استفاده می‌کند. پولس تأکید دارد که همانطور که یک سرباز رومی برای رفتن به جنگ نیاز به یک زره دارد، ما نیز برای جنگ روحانی نیازمند این زره روحانی می‌باشیم. مثلاً ما گاهی اینطور دعا میکنم که خدایا، من کلاهخود نجات را بر سرم قرار میدهم تا مرا از افکار شریر که به ذهنم حمله‌ور می‌شوند، حفظ کند. من نمی‌خواهم که افکار شیطان را داشته باشم. من نمی‌خواهم که خود تفکر کنم. من می‌خواهم افکار تو را داشته باشم تا بتوانم صدای تو شوم. خدایا، می‌خواهم کمر بند راستی را ببندم تا بتوانم حقیقت و راستی را با دیگران قسمت کنم، نه دروغ را. می‌خواهم دیگران را به سمت عدالت هدایت کنم. حالا ما تقریباً در جنگ پیروز هستیم و باید دشمن را کاملاً نابود و زمین جنگ روحانی خود را کاملاً پاک سازی کنیم و زمین و میدان جنگ روحانی ما در ابتدا افکار و ذهن شماس (دوم قرنتیان ۱۰: ۴-۵). پولس می‌گوید که خدا اسلحه خود را به ما داده تا ما برای انهدام مناظره‌ها و ادعای باطل افراد (روش فکری افراد) از آن استفاده کنیم. ما هر فکری را اسیر می‌کنیم. برای این جنگ در برابر افکار، ما به چهار اسلحه احتیاج داریم: فروتنی، ایمان، حقیقت و پرستش.

شهرام فقیه‌لو

به بهانهٔ سلام‌های صبح گاهی به کبوتران پنجرهٔ غربت،

دل‌م برای به آغوش کشیدن شب‌های خانه‌ات، تنگ شده

به بهانهٔ شکسته شدن تمام گل‌دان‌های سکوت،

دل‌م برای خریدن چند شاخه گل برایت، تنگ شده

به بهانهٔ عطش یک فنجان چای و چند شکر لب‌خند،

دل‌م برای نوشیدن جرعه‌ای عشق از نگاه تو، تنگ شده

به بهانهٔ به خاموش کشیدن خستگی بیداری‌های شبانه‌ات،

دل‌م برای نوازش تن تنهاییت با بویی از بوسه و تبسم، تنگ شده

به بهانهٔ ستایش آن کلام مقدس و تسبیح دانه‌های دعا،

دل‌م برای پرستش عشق برای سپاس از حضور تو، تنگ شده

به بهانهٔ تمام بهانه‌های گفته و نا گفته،

دل‌م برای تو، تنگ شده...

ارین سودمند





مسمیت آلوده به ناستیسیزم (۱)

نخستین دیدانداز، بررسی آن در چهارچوب "لوگوس" میباشد، که دارای معنی ای سطحی بوده که فاقد مکاشفه الهی است. جنبه دومی که این گروه معتقدند که در مطالعه کلام باید رعایت گردد، نظر بر متون در بعد ریما می باشد. ریما از نظر این اشخاص که حاوی مکاشفه پنهان و معنی روحانی مستور است، تنها برای کسانی که طالب دریافت چنین حقایق الهی می باشند قابل رویت می باشد. وجود مراجع زیاد و تسهیلاتی که امروزه برای کاوش در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است، امر تحقیق را بسیار آسانتر از پیش ساخته است و شخص با دانش کافی از زبان یونانی و عبری قادر است در پیرامون موضوعات گوناگون کتابمقدس به کنکاش پرداخته پاسخی قانع کننده برای پرسشهای خود بیابد. با مراجعه به لغت نامه الهیاتی عهدجدید کیتل که منبع موثقی برای بسیاری از پژوهشگران کتابمقدس بحساب می آید، حقایق دیگری را برای ما میان می کند. واژگان لوگوس و ریما، برگردان کلمه عبری "د/بار" به زبان یونانی می باشد و همانگونه که واژه لوگوس در کتابمقدس به معنی گفتار یا کلمه استفاده شده، کلمه ریما نیز بکار رفته است. اشتراک مفهوم این کلمات باعث شده است که تمایز معنایی بخصوصی بین این دو واژه وجود نداشته باشد. بعنوان مثال در ترجمه مازراتیک (نسخه عبری عهدعتی) کتاب ارمیا باب نخست آیات ۱ و ۲ از واژه دابار برای کلمه استعمال شده است اما در ترجمه سبتوحیانت (نسخه یونانی عهدعتی) این کتاب در آیه اول کلمه ریما و در آیه ۲ کلمه لوگوس بکار رفته است.

۱: کلام (ریما) آدمیا این حلقیا از کاهنانی که عناتوت در زمین بنیامین بودند.
۲: که کلام (لوگوس) خداوند در ایام پوشیا این آمون پادشاه یهودا در سال سیزدهم از سلطنت او بر وی نازل شد.

و اگر در عهدجدید به جستجوی این کلمات بپردازیم متوجه خواهیم شد که در متونی چون رساله اول پطرس در باب دوم این کتاب نیز شاهد استعمال این واژگان خواهیم بود. در اول پطرس ۱: ۲۳ کلمه لوگوس و در آیه ۲۵ کلمه ریما برای واژه این کلمه بکار رفته است.

۲۳: از آنرو که تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام (لوگوس) خدا که زنده و تا ابدالایاد باقی است.

۲۵: لکن کلمه (ریما) خدا تا ابدالایاد باقی است و این است آن که کلامی (ریما) که به شما بشارت داده شده است.

بنظر می آید معرفی چنین نوع برخورد با متون مقدس تنها ایجاد بهانه و فرصتی است که شخص بجای استخراج حقایق غیرقابل تغییر الهی که اصول و استانداردهای برای زندگی مسیحی و اعتقادات ما است در عوض عقاید، باورها و تمایلات شخصی خود را به نام مکاشفات روحانی وارد کلام خدا کرده آنها را به دیگران نیز تعلیم دهد. نظر کردن بر کلام خدا با چنین دیدگاهی به معنی زیربانی نهادن موازین تفسیر کتابمقدس بوده و شخص را مستعد دریافت تعلیم دیوها میگرداند. و آیا انجیل عیسی مسیح را به عنوان لوگوس به دنیا معرفی نمیکند؟ (انجیل یوحنا ۱: ۱) عیسی مسیحی که مظهر دیدنی ذات خدا است، عیسی مسیحی که کتاب عبرانیان در مورد او چنین میگوید: در این ایام آخر به ما بواسطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بواسطه او عالمها را آفرید؛ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده... (عبرانیان ۱: ۳-۲)

پس حال چگونه است که رهبا بر لوگوس ارجحیت و برتری دارد؟ عیسی مسیحی که نهایت مکاشفه خدا بر انسان، مسیحی که هستی خدا را برای ما مجسم ساخت، چگونه می تواند از هر مکاشفه دیگری والاتر نباشد؟

تامل براستعمال چنین واژههایی و دقت به کوشش ایشان برای دریافت مکاشفه مخصوصی که در کلام پنهان می باشد، ناخود آگاهانه متوجه به باور کهن ناستیکها می سازد. اعتقادی که امروز در ایمان مسیحی ما به گونه ای رخنه کرده است، ریشه ای که پس از گذشت دو هزاره هنوز خشک نگردیده و رشد درخت شاداب ایمان ما را به مخاطره می اندازد. عدم تمرکز به حقیقت آشکار کلام و قدرت صلیب، حواس ایشان را از او که شایسته توجه است به خود و نیازهای شخصی، بر کات مادی و تمایلات ناراست نفس جلب می کند.

وقتی می بخشید...

با اینکار فقط به خودتان نه به هیچکس دیگر نیکی می کنید. اینکه نتوانید کار بدی که آن فرد علیه شما انجام داده را هضم کنید، دیگر مشکل شماست نه او. به شما آسیب می رساند نه او. شواهد بسیاری نشان می دهد بخشیدن دیگران می تواند منجر به سنگ صاف شود. اگر این مشکل به همسران هم سرایت کند، این سنگ در کلیه ها ایجاد می شود. این احساسات و عصبانیت ممکن است مشکلات کمر برایتان ایجاد کنید، البته بر حسب این که فقدانیه که حس می کنید در مورد مسائل مالی باشد یا احساسی.

اگر در قضاوتتان استاندارد غیرمعمول و بالایی دارید که بخشیدن را برایتان دشوار می کند، طبیعت خرده گیر و سرزنش کن شما ممکن است مشکلات پیچیده ای برای کبد یا سایر اندامهای گوارشی تان ایجاد کند. بزرگی گفته است، فهمیدن و درک اهمیت بخشش از لحاظ عقلانی یک چیز است و پیاده کردن آن در جسم مان یک چیز دیگر. وقتی کینه می گیرید، نه تنها به فرد مقابل اجازه می دهید به شما آسیب برساند، بلکه به او اجازه می دهید هربار که فکر رفتار او به مخیله تان خطور کرد، کنترل زندگی شما را در دست داشته باشد. وقتی دیگران را می پذیرید، دیگر آن صدمه و آسیبی که با قضاوت کردن آنها به شما وارد می شود را تجربه نخواهید کرد.

۱۰ سال پیش زنی به نام چایتالی (الته نام واقعی او این نیست) متوجه می شود که شوهرش با زنی رابطه دارد. گرچه آن مرد بعدها متوجه اشتباهش می شود و به آن رابطه خاتمه می دهد اما برای چایتالی خیلی سخت بود که او را ببخشد. رابطه او به همسرش همین طور بد و بدتر می شد تا جاییکه یکروز چایتالی از سر ناچاری تصمیم می گیرد به همسرش یک شانس دیگر بدهد. در نیمه های این تمرین گذشت، او شروع به گریه می کند. با کمک شوهرش و معلم وی، چایتالی متوجه بیهودگی نگه داشتن نفرت و کینه همسرش در دل خود می شود. الان آنها زندگی بسیار شاد و خوشبختی دارند و از آزادی رهایی از نفرت ها، کینه ها و عصبانیت ها لذت می برند. با گذشت سلامتی تان را ارتقاء می دهید. در بازی جنگ فقط شکست خورده ها هستند. یک ضرب المثل چینی می گوید، کسی که کینه توزی می کند باید دو قیر بکند. اگر خلاف آن را انجام دهد عمری طولانی و زندگی سالم خواهد داشت.

ادامه در شماره بعد...



STURGEON KEBAB

Kabab-e Ozunborun

Ingredients

- 1 sturgeon or rock salmon, about 3 lb
- 8 fl oz. lemon juice
- 2 medium onions
- Black pepper
- Basting sauce
- 2 dessertspoons melted unsalted butter
- 3 tablespoons lemon juice
- 2 dessertspoons tomato paste



Recipe

After washing the fish, remove the central bone and cut into 2 1/2-cm (1-in) cubes. Put the pieces into a bowl and cover it with grated onions. Add the lemon juice and pepper and leave the fish overnight in a refrigerator. To make the basting sauce, mix the tomato paste, lemon juice and melted butter in a pan. Bring to the boil and keep aside.

Thread the cubes on to thin skewers and grill over hot charcoal, basting two or three times until cooked.

عیسی مسیح فرمود: هر که احکام مرا قبول کند و مطابق آنها عمل نماید، او کسی است که مرا محبت می نماید؛ و آنکه مرا محبت می نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت. یوحنا ۱۴: ۲۱



از شما دعوت می کنیم تا از وبسایتهای ما دیدن فرمایید:

www.IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.TabdilMagazine.blogfa.com



...ادامه در شماره بعد

۱۵۲۵ - ۵۲۲ - ۸۱۸

Tabdil@IRANforCHRIST.com

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



THE CHANGE

Magazine

Names Of GOD

- * *Abba*, Father * *Abhir* (Hebrew)
- * Adam, Last (or Second) (*Eschatos Adam*) (1 Cor. 15:45)
- * *Adonai* (Hebrew) * Advocate with the Father (Jesus Christ)
- * *'Akal 'Esh* (Hebrew) ("Consuming Fire") (Deut. 4:24)
- * *Akrogoniaios akrogoniaios lithos* (Greek) ("Chief Cornerstone") (Eph. 2:20; 1 Pet. 2:6)
- * Almighty God (Gen. 17:1; Ezek. 10:5; Rev 19:15)
- * Alpha and Omega ("The First and the Last," "The Beginning and The End") (Rev. 1:8, 22:13)
- * Advocate * All Sufficient
- * Almighty (2 Cor. 6:18, Revelation 19:6) * Alpha and Omega
- * Ancient of Days * Anointed One, The
- * Apostle and High Priest of our profession (Jesus Christ) (Heb 3:1)
- * *Attiq Yomin* (Aramaic) (Daniel 7:9, 13, 22)
- * Author and finisher of our faith (Jesus Christ)
- * Author of eternal salvation (Jesus Christ) (Heb. 5:9)
- * Author of peace * *Avi* (Hebrew) ("Father") (Psalm 68:5; Mal. 2)
- * *Avi-'ad* (Hebrew) ("Everlasting Father," "Eternal Father") (Isaiah 9:6)
- * *Avinu* (Hebrew) ("Our Father") (Isaiah 63:16)
- * *Avir Ya'akov* (Hebrew) ("Mighty One of Jacob") (Isa. 60:16)
- * A shelter for me
- * A son over his own house (Jesus Christ) [the Church is Christ's house]
- * A Star out of Jacob (Jesus Christ) * A stone of stumbling (Jesus Christ)
- * A strength to the needy in his distress * A strength to the poor
- * A strong LORD

Why Should We Love God?

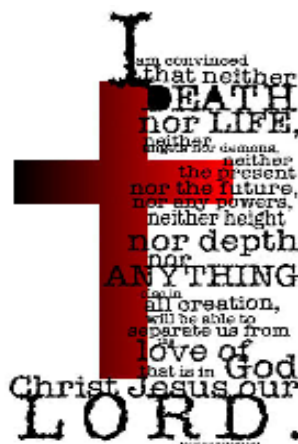
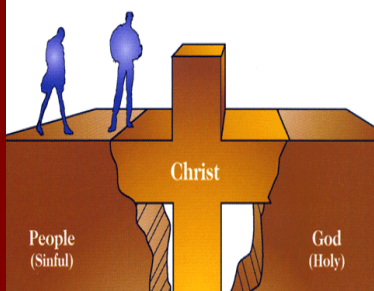
God the Eternal Father did not give that first great commandment because He needs us to love Him. His power and glory are not diminished should we disregard, deny, or even defile His name.

His influence & dominion extend through time and space independent of our acceptance, approval, or admiration. No, God does not need us to love Him. But oh, how we need to love God! For what we love determines what we seek. What we seek determines what we think and do. What we think and do determines who we are—and who we will become.

We are created in the image of our heavenly parents; we are God's spirit children. Therefore, we have a vast capacity for love—it is part of our spiritual heritage. What and how we love not only defines us as individuals; it also defines us as a church. Love is the defining characteristic of a disciple of Christ. Since the beginning of time, love has been the source of both the highest bliss and the heaviest burdens. At the heart of misery from the days of Adam until today, you will find the love of wrong things. And at the heart of joy, you will find the love of good things. And the greatest of all good things is God. Our Father in Heaven has given us, His children, much more than any mortal mind can comprehend. Under His direction the Great Jehovah created this wondrous world we live in. God the Father watches over us, fills our hearts with breathtaking joy, brightens our darkest hours with blessed peace, distills upon our minds precious truths, shepherds us through times of distress, rejoices when we rejoice, and answers our righteous petitions. He offers to His children the promise of a glorious and infinite existence and has provided a way for us to progress in knowledge and glory until we receive a fullness of joy. He has promised us all that He has. If all that is not enough reason to love our Heavenly Father, perhaps we can learn from the words of the Apostle John, who said, "We love him, because he first loved us."



God has provided the only way...
Each person must make a choice...



The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com
www.SimaMasih.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA

O Lord our God,
each of us Thy creatures,
piously turn to Thee,
to have loving pity on those who hate us,
and help guide their souls back to the act of living and being true
and faithful servants of Thy Christ,
and let true repentance be in us all. Amen.

